

گفت‌وگو با شهاب جعفری نوازنده، مدرس موسیقی و پژوهشگر مولف

موسیقی بدون اندیشه کامل نیست

• هنرجوی پیگیر در کرمان کم داریم



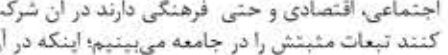
با موسیقی می‌دانند که زنده‌یاد پورتراب اولین معلم جدی و موثر در تئوری موسیقی به شیوه علمی در ایران است. شاید به همین دلیل است که شهاب خودش می‌گوید: «بازترین استاد من در موسیقی شادروان مصطفی کمال پورتراب بود.»

او ادامه می‌دهد: «موسیقی دریایی است که هر کس به اندازه خودش سهمی از آن برمی‌دارد و من نیز تا کنون علاوه بر نوازندگی، سهمی در پژوهش نظری نیز برداشته‌ام. چون فکر می‌کنم موسیقی تنها و فقط تغن نیست برای زمانی است که از شهاب می‌شنوم زنده‌یاد ایوب دراکام پدر بزرگ مادری او است و امیردزاکام کارگردان تئاتر و مهندس دزاکام فعال مدنی، دایی‌هایش.»

مهمترین شاخصه این هنرمند جوان که در اصل نوازنده کلارینت و پیانو و مدرس این دو ساز است، تلاشش در عرصه پژوهش هنر و فلسفه است که تا کنون منجر به تالیف ۳ جلد کتاب گردیده و ۱۲ جلد کتاب دیگر نیز در دست تالیف دارد. با این هنرمند جوان دیداری داشتم که گزارشی از آن را در ادامه می‌خوانید:

بازی باید برد برد باشد

به پیشنهاد یکی از دوستان در دوره‌ای که برای مدیریت بر خود و آموزش اصول آن برنامه ریزی شده بود شرکت کردم. دوره‌ای که برایم پر از نکات مثبت و کاربردی بود که اگر همه افراد جامعه مخصوصا کسانی که فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی دارند در آن شرکت کنند تبعات مثبتش را در جامعه می‌بینیم؛ اینکه در آن دوره چه گفته شد را اگر بخوایم بگویم و مصداق‌هایش را در جامعه ببایم تمام صفحات روزنامه هم برایم کم است. اما یکی از آن‌ها را می‌گویم که همین چند روز پیش و در آخرین جلسه دوره گفته شد: در اصول مدیریت رابطه‌ای پایدار است که برنده، برنده باشد، یعنی ما اگر یک مربع را به چهار قسمت تقسیم کنیم و قسمت برنده، برنده و بازنده، برنده و برنده، بازنده داشته باشیم تنها رابطه برنده، برنده پایدار است که در آن هم اهداف خود و هم اهداف دیگران را مد نظر قرار دادیم و برای توجه به اهداف خود باید شهادت و برای اهداف دیگران ملاحظه داشته باشیم؛ این‌ها را که شنیدم دیدم چقدر در جامعه هنری مصداق دارد و چقدر کمبودش حس می‌شود تمام آن جلسه فکرم مشغول همین بود که چرا جامعه هنری از این تکنیک به ظاهر ساده استفاده نمی‌کند، این‌که من در هر کاری که می‌کنم رابطه برود، برد را در نظر بگیرم چیزی است که در جامعه ما خیلی کم رنگ شده است؛ شاید و قطعا دلیل خیلی از شکست‌ها همین باشد؛ الان خیلی از ما فقط خودمان را می‌بینیم؛ بارها از خیلی‌ها شنیدم که فلان کار برایم چه نفعی دارد؟ یا من چرا باید فلانی را ببینم و فلان پروژه را انجام دهم؛ این‌ها شاید به ظاهر درست باشند و آن روز در ظاهر برای فرد نفعی نداشته باشد اما همان کار شاید راهی را برای موفقیت‌ها و کارهای بعدی باز کند و یا قدم اول یک موفقیت‌بخش‌اندین که من فلانی را ببینم و فلان کار را انجام دهم شهادت می‌خواهد، شهادت و ملاحظه حلقه‌ای گمشده این رابطه است؛ من اگر ملاحظه دیگری را بکنم دیگر حضور در فلان نمایشگاه و جشنواره برایم بی‌فایده نیست اگر شهادت کار داشته باشیم این‌که فلان پروژه را همکار و دوستم انجام دهد و فلان جایزه به فلانی تعلق بگیرد برایم ناراحتی ندارد دیگر دنبال پایین کشیدن او نیستم چون شهادت دارم که کاری را خودم انجام بدهم و ملاحظه دیگران را هم بکنم تا هم خودم سال‌هاست که ندیده‌ام.



لیته در چند سال اخیر در مدیریت هنری کرمان فردی را داشتم که دنبال همین راه بود؛ محمد علی جوشایی، معاون هنری ارشد به نظر مصداق مدیری موفق در این مورد بود او در تمام روابطش با هنرمندان به بازی برد، برد معتقد بود.

او هیچ وقت هنرمندی را بازنده نکرد تا خودش ببرد چیزی که بارها در جاهای دیگر و از طرف افراد دیگر دیدیم و شنیدیم.

او همیشه برد هنرمند را برد خود می‌دید این شاید در سیستم اداری ما که بر اصول سنتی خود اصرار دارد چیز جدیدی بود که خیلی‌ها شاید با آن آشنا نبوده‌اند و برای‌شان غریب بود.

اکنون ما مانده‌ایم و جای خالی او و این تقاضا از متولیان هنر که رویه‌ی او را رها نکنند.

هنرکرمان قطعا پتانسیل و توانایی‌هایی زیادی را در خود نهفته دارد که هیچ زمان فرصت بروزش فراهم نشده؛ چرا باید از گوشه و کنار بشنویم که فلان شخص گفته مگر کرمان نقاش آستره هم دارد؟ یا کرمان هم مگر می‌تواند؟

تا کی باید توانایی‌های کرمان به واسطه عدم ارتباط و عدم آشنایی دیگران با این پتانسیل‌ها نادیده گرفته شود؟

این‌ها چیزهایی ابتدایی است که معارعت نکردیم و الان توانش را می‌دهیم، همان روزهای ابتدایی رفتن جوشایی خواستیم چیزی بنویسیم؛ اما هم امیدوار به برگشتن بودم و هم می‌دانستم دوست ندارد چیزی برایش نوشته شود؛ اما شنیدم این روش در آخرین جلسه دوره مدیریت من را مصمم کرد که بنویسم چقدر این شیوه به کار و روش جوشایی نزدیک است و حیف آمدن گویم و بنویسم که: بیایید همه به شیوه او بازی کنیم.

این بین من قطعانی را از موسیقی پاپ روز دنیا برگزیدم و آنها را برای کلارینت تنظیم کردم. مثلا تم اصلی فیلم موزیکال «لالاند» که برگزیده جشنواره کن ۲۰۱۷ بود را برای کلارینت نوشتم.»

این مولف جوان در هر ۲ کتاب مقدمه‌ای را در معرفی سبک‌ها و گونه‌های موسیقی مورد نظرش نوشته و توضیحات دیگری را نیز به آن افزوده است. او معتقد است

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

گزارش عملکرد از آموزشگاه و مستر کلاس‌هایی که برگزار کرده.»

همراه بابک احمدی تولدی دیگر را تجربه کردم
علاقه به پژوهش در وادی هنر، جعفری جوان را به وادی فلسفه نیز کشانده است.

از زبان خودش بشنویم: «اولین بار به شکل خنده‌داری با فلسفه مواجه شدم. محصل دوره‌ی راهنمایی بودم که در کتابفروشی آراشگاه شاه نعمت‌الله ولی، کتابی را دیدم که بر آن تصویر یک مرد با سیل‌های پرشت جلب توجه می‌کرد؛ آن کتاب، چنین گفت زرتشت نام داشت و من جذب سیل‌های نیجه شده بودم! کتاب را خریدم اما چیزی از آن نفهمیدم. تا اینکه ۲ یا ۳ سال بعد که محصل دبیرستان شده بودم، «دنیای سوفی» را خواندم و حسابی شیفته‌ی فلسفه شدم.

این علاقه در تهران مرا به کلاس‌های بابک احمدی در موسسه کارنامه کشاند. در آنجا اتفاقی دیگرگون افتاد، همراه بابک احمدی تولدی دیگر را تجربه کردم و دریجه‌هایی تازه برایم باز شد، مخصوصا به هنر و موسیقی.»

به علاایقم نه نمی‌گویم
تکرار می‌کنم که توجه شهاب جعفری به امر تالیف برایم جالب است. انگیزه‌اش تا حدی است که در حال حاضر، روزنامه‌نگاری به شیوه خودش را هم دارد تجربه می‌کند، توضیح خودش شنیدنی است: «معترف هستم که هنوز هنرجو و دانشجو هستم، اما در مسیر یادگیری، به علاایقم نه نمی‌گویم. به روزنامه‌نگاری علاقمندم و از آنجا که هنوز این حوزه را بدرستی نمی‌شناسم، تصمیم گرفتم فقط در محدوده‌ی آموزشگاه خودمان یک نشریه داخلی منتشر کنم.»

او شماره‌ی اول این نشریه داخلی را در آورده که در کل سه بخش دارد: ۱- بخش مقالات و پژوهش‌ها که شامل ۹ مقاله پژوهشی، آموزشی و باز بیان ساده‌شده‌ی توضیحی در موسیقی است. ۲- بخش پژوهش‌های هنرجویان داخلی آموزشگاه و ۳- بخش

جریان این کتاب را هم بهتر است از زبان خودش بشنویم: «وقتی به کلاس‌های بابک احمدی می‌رفتم، در حوزه فلسفه خیلی مطالعه می‌کردم، در آن زمان نزدیک ۳ سال در سایت‌های پژوهش هنر گشت می‌زدم که در سایت یکی از دانشگاه‌های انگلستان به مقاله‌ای با عنوان "چگونه زنان فیلسوف دیروز به تفکر امروز کمک کردند" برخورددم. عنوان آن مقاله این علامت سوال را در ذهنم کلید زد که: مگر فیلسوف زن هم داریم؟ پژوهش در این حوزه را شروع کردم. با آقای احمدی صحبت کردم و ایشان منابعی معرفی کردند، همچنین خانم مهناز مقدسی، دبیر انجمن ویراستاران ایران نیز،

مربع که موازی ۱۰/۸۴۲ متر مربع از ششادنگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف و در اجاره نامبرده قرار دارد به ادرس کرمان خیابان چهارم خیابان یاسین کوچه یاسین ۸ خریداری از محل مالکیت سید حسین طباطبائی - ردیف‌های ۲۲۲، ۲۱۷ و ۲۲۲.

● ۲۰۱۵۱ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

● ۲۰۱۵۱ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

● ۲۰۱۵۲ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

● ۲۰۱۵۱ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

● ۲۰۱۵۲ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

● ۲۰۱۵۲ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

این بین من قطعانی را از موسیقی فیلم و موسیقی پاپ روز دنیا برگزیدم و آنها را برای کلارینت تنظیم کردم. مثلا تم اصلی فیلم موزیکال «لالاند» که برگزیده جشنواره کن ۲۰۱۷ بود را برای کلارینت نوشتم.»

این مولف جوان در هر ۲ کتاب مقدمه‌ای را در معرفی سبک‌ها و گونه‌های موسیقی مورد نظرش نوشته و توضیحات دیگری را نیز به آن افزوده است. او معتقد است

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

هنرجوی ارشد استاد شهرام ابوعامری بودم

شهاب جعفری از حدود ۵ سالگی آموزش و نواختن پیانو را نزد مادرش شروع کرده و دو سه سال بعد، آموختن کلارینت را هم نزد پدر بزرگش به آن افزوده. او به این ۲ ساز بسنده نکرده و از ۱۲ سالگی برای فراگیری ویولن سراغ شهرام ابوعامری رفته است.

خودش می‌گوید: «حدودا ۱۱ سال شاگرد این استاد بودم، و این افتخار را پیدا کردم که به عنوان هنرجوی ارشد ایشان در کنسرت‌های مختلف اجرا داشتم و نزد ایشان کارآموزی کردم، یعنی زیر نظر خودشان بعضی هنرجوها را درس و تمرین می‌دادم.»

او مسیر هنرجویی خود را چنین گزارش می‌کند: «برای تکمیل دوره‌ی کلارینت به تهران رفتم و پیش خانم «سایوری‌شیمی» که استاد دانشگاه تهران و نوازنده ارکستر سمفونیک کرمان، پورمین و همچنین نزد آقای پورمین این ساز را ادامه دادم. همچنین یادگیری ویولن را هم نزد آقای فریوسفی بی‌گرفتم.»

بازترین استاد موسیقی من مصطفی کمال پورتراب بود

شهاب جعفری در مسیر هنرجویی خود با مراجعه به مصطفی کمال پورتراب برای آموختن تئوری موسیقی، سرفصلی تازه برای خود باز می‌کند. آشنایان

همیشه ملاقات ۲ گروه از هنرمندان برایم چند برابر از بقیه هیجان دارد. یکی هنرمندان پیش‌کسوتی که عمری گران بر آنها گذشته و دوم هنرمندان جوانی که در ابتدای اراند و شوق دانستن و شور خلاقیت‌شان آدم را به وجد می‌آورد؛ شهاب جعفری یکی از گروه دوم است.

شهاب متولد ۱۳۷۰ است، شغل پدرش نظامی بوده و مادرش نیز، هم معلم مدرسه و هم مدرس پیانو. جالب‌ترین بخش قضیه برایم زمانی است که از شهاب می‌شنوم زنده‌یاد ایوب دراکام پدر بزرگ مادری او است و امیردزاکام کارگردان تئاتر و مهندس دزاکام فعال مدنی، دایی‌هایش.

مهمترین شاخصه این هنرمند جوان که در اصل نوازنده کلارینت و پیانو و مدرس این دو ساز است، تلاشش در عرصه پژوهش هنر و فلسفه است که تا کنون منجر به تالیف ۳ جلد کتاب گردیده و ۱۲ جلد کتاب دیگر نیز در دست تالیف دارد. با این هنرمند جوان دیداری داشتم که گزارشی از آن را در ادامه می‌خوانید:

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»

کتاب‌هایی که تالیف کرده کمک آموزشی است و به نیاز مردم خیلی از هنرجویان پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «استادی که در تهران می‌شناسم و از جمله بعضی اساتید کرمان، خیلی خوب از کتاب‌هایم استقبال کردند، تا حدی که «کتاب نارون» ناشر این دو کتاب خیر از چاپ دوم قطعات برگزیده ویولن داد، خانم سایوری نیز خیلی مرا تشویق کردند و از آنجا که استاد من بوده و هستند، تشویق‌شان برایم خیلی ارزش داشت.»



تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دوشهرستان کرمان محمود مهدی زاده

املاک تقاضای ثبت شده واقع در بخش ۲ کرمان

● ۷۲ فرعی از ۳۳۱۹ اصلی مجزی شده از فرعی از ۳۳۱۹ اصلی - خاتم زهرا عرب ابادی فرزند حسین به شناسنامه شماره ۶ صادره از ماهان در ششادنگ یکباب خانه به مساحت ۹۵/۰۶ متر مربع به ادرس کرمان خیابان ۱۷ شهرویی کوچه ۲۳ خریداری از محل مالکیت نعمت الله مسگر زاده - ردیف ۶۱۱

● ۵۷۹۲ فرعی از ۳۹۸۲ اصلی مجزی شده از فرعی از ۳۹۸۲ اصلی - آقای حمید رضا شهیدی زندی فرزند جواد به شناسنامه شماره ۴۰ صادره از کرمان در ششادنگ اعیان یکباب خانه مشتمل بر طبقات فوقانی به مساحت ۱۴۲/۳۷ متر مربع با قید به اینکه ششادنگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف و در اجاره نامبرده قرار دارد به ادرس کرمان خیابان شهید مصطفی خمینی (شهاب) بین کوچه ۶۸ و ۶۶ خریداری (اجاره) از محل مالکیت وقف - ردیف ۳۰۳۸

املاک تقاضای ثبت شده واقع در بخش ۳ کرمان

● ۲۰۱۵۰ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

● ۲۰۱۵۰ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - خاتم مریم دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۱۵۲۶ صادره از کرمان و آقای محمد رضا دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۵۹ صادره از کرمان و آقای محسن دلفارذی فرزند علی به شناسنامه شماره ۹۰۴ صادره از کرمان

املاک تقاضای ثبت شده واقع در بخش ۶ کرمان

● ۱۹۹۴ فرعی از ۲۰ اصلی - آقای حسین پرورش فرزند پداله به شناسنامه شماره ۱۸۶ صادره از کرمان در ششادنگ یکباب کارگاه مساحت ۳۳۲ متر مربع به ادرس کرمان قائم اباد خیابان ولی عصر (عج) خیابان انوری خریداری از محل مالکیت علی ایلاقی - ردیف